

سیمای الله در کردار مسلمانان آشکار است

الله از برآیند نگرش عربهای چادرنشین، برای برآوردن آز و نیاز جهادگران بیابانگرد خلق شده است. جهادگران احکام الله را بسان جنگ ایزاری خروشان، برای سرکوب قبیله-های عرب و مردمان شهرنشین. کشورهای پیشرفته، به کار برده-اند. حکم جهاد، یعنی کشتار نامسلمانان، دیدگاه آزادگان را فرو دریده و فرومایگان را بر خردمندان جهان حاکم ساخته است.

چون به ژرفی بنگریم: عربها، در آشفتگی و پراکندگی-ی ایرانیان، با خشونت احکام شریعت از بیابانگردی به چکادی دست یافته-اند که بر ایرانیان، پروردگان فرهنگ، حکم برانند. این فرومایگان با چنین احکام پسمانده-ای بر کشورداران نیرومند پیروز شده-اند، پس باید، با سوزاندن خرد انسان، در همین احکام پسمانده بیامیزند تا زشتی-ها را زیبا ببینارند و آنها را ستایش کنند.

ایرانیان دانش پرور سرکوب شدگان جهادگران هستند. آنها به زور و به دروغ "الله" معبود بیگانگان را پذیرفته-اند به این امید، که با مهرپروری، از خشم الله بکاهند و از او خدایی انساندوست بسازند. این بود که آنها پیوسته سیمای خشمناک و ترسناک الله با پوشش-های زیبا و نیکویی، که خود می شناخته-اند، پوشانده-اند.

ایرانیان نام خدایان خود را (نامهای ایزد، یزدان، پروردگار، کردگار را) بر الله نشانده-اند بدین گمان که ویژگی-های این خدایان هم در "الله" آمیخته می شوند و نیز از پذیرفتن معبود عربها ("الله") شرمسار نمی شوند. از شوربختی هر چند ایرانیان، به سخن از الله بیزار بوده-اند، به کردار در هزاره-ی گذشته، مانند مسلمانان دیگر، ویژگی-های الله را در خود آمیخته-اند.

آنها الله را در پوسته-هایی زیبا، بسان بخشنده و مهربان، جای داده-اند ولی به کردار خودشان نمایان کننده-ی خشونت الله شده-اند. یعنی آنها نتوانسته-اند، از "الله" خدایی زیبا و همسرشت انسان بسازند، ولی توانسته-اند، سرشت انسان را در خود سرکوب کنند، خشونت و زشتی-های "الله" را در بینش خود بیامیزند.

هر چند مسلمانان سراسر جهان می کوشند تا سیمای زشت الله را بر جهانیان پنهان بدارند ولی کردار آنها سیمای غاضب و جبار الله را آشکار می سازد.

اگر به برخی از پرسش-های همگانی بیندیشیم، در پاسخ آنها، چهره-ی الله را در کردار مسلمانان خواهیم دید.

پرسش 1: چرا اسلامفروشان راستین، ملی مذهبی-ها، اصلاح طلبان، اسلام شناسان با ایمان و اسلامزدگان بی ایمان می کوشند که زشتی-های شریعت اسلام را، با دروغ-های پندار خود، پنهان کنند؟

اگر این کسان به الله و رسولش ایمان دارند چرا سخنان الله را، که در قرآن امر شده-اند، واژگون باز می گویند؟ اگر آنان به بندگی-ی خود ایمان ندارند، پس چرا، پس از شناخت این همه پسماندگی، تنها به پنهان ساختن پسماندگی-ها می کوشند، نمی خواهند خود را از این منجلاب زهرآگین بیرون بکشند؟

من این پرسش را چنین پاسخ می گویم: این مسلمانان ویژگی-های الله را در وجود خود آمیخته-اند، آنان دروغوندی و فریبکاری را از سرشت الله برگرفته-اند. آنها جهان را از روزنه-ی تنگ شریعت می بینند، آنها از دل بستگی-ی خود به زشتی-های این عقیده، شرم دارند، نه از ساختار این عقیده.

از این روی این مسلمانان می کوشند زیبایی-هایی را، که از گفتار دیگران برداشت می کنند، در تنگنای شریعت اسلام بنگارند تا دیگران به پسماندگی-ی نگرش و دل بستگی-ی آنها پی نبرند.

با وجودی که فرومایگان بیابانگرد "الله" را از آمیختن خدایان پیشین خلق کرده-اند. آنها او را با پیام "لا اله الا الله" = "نیست الاهی به جز الله"، به زور شمشیر، به جای هر خدایی به مردم فرو کرده-اند و هنوز هم از اندیشه-ی آزادگان، در پیرامون این دروغ، می ترسند.

الله، ستم و دستدرازی به جان و دارایی-ی نامسلمانان را جهاد می نامد و آنرا به مسلمانان امر می کند. الله کشتار آدمیان و دزدیدن فرآورده-های آنها را عدل الهی و عبادت بندگان می شمارد.

شریعتمداران اسلام هم هیچ شناختی، که از خرد انسان برخاسته باشد، ندارند. معیار و آگاهی آنها تنها و تنها از این

گندآب برداشت می شود. نگرش این کوراندیشان، که خود را استاد، دکتر، فیلسوف و علامه خوانده-اند، فراتر از یاهو گویی-های جن شناسان نمی ورد. خرد این شبان پیشه-ها، که تنها در تاریکخانه-ی شریعت کارآیی دارد، کوتاه تر از بینش یک کودک 12 ساله است که او در خانواده-ی آزادگان پروده شده باشد.

از این روی نان و آب و بزرگی-ی شریعتمداران در نادان پروردن مردم، آن هم با ابزار دروغ، برای نجات اسلام است. زیرا فقیه یا علامه، که در نزد خردمندان یاهو گویی بیش نیست، برای مسلمانان شبانی است که آنها را به سوی جنت می راند.

به درستی دو گونه آخوند، بر پشت مسلمانان، سوار شده-اند: یکی آنان که به اسلام ایمان دارند. این کسان، برای خشنودی-ی الله، خون دگراندیشان را می ریزند. دیگر آنان که ابله نیستند. آنها، برای سرمستی و شادمانی-ی خود، خون آزادگان را می نوشند.

پرسش 2: چرا حکومت اسلامی، با وجود سرزنش برخی از سازمان-های حقوقی، نه تنها از انسان ستیزی و خشونت خود نمی کاهد بلکه او فرومایگی خود را، در شیوه-های جانستایی، به نمایش می گذارد؟

آیا ویژگی-هایی، که در سرشت انسان آمیخته است، در ایمان شریعتمداران راه نیافته-اند؟

آیا در درون این کسان پدیده-ای همسان وجدان وجود ندارد که آنها، در آزدن جان انسان، اندکی درنگ کنند؟

پاسخی سر راست: این حکومت، که بر مردم ایران حاکم شده است، اسلامی است نه مردمی. این حکومت باید احکام شرع را بر مردم ایران فرود آورد نه حقوق بشر را. او در برابر الله پاسخگوست نه در برابر مردم. این حکومت از چهره-ی ترسناک الله پرده بر می دارد تا مردم از ترس او به والیان اسلام پناه ببرند.

ما جانوری را به این درنده خویی نمی شناسیم که او با جانوران دیگر تا این اندازه خشونت بورزد و ستم وارد کند. حکومت اسلامی با مردم ایران، به اندازه-ی توانش، بدان گونه رفتار می کند که الله در قرآن امر کرده است.

حکومت اسلامی، عدالت الهی * را به آن سختی، که الله امر کرده است، نمی تواند پیاده کند. الله در قرآن، بیش از چهارصد بار، عدالت خود را، در مجازات سخت، یاد آوری می کند. الله عادل است زیرا او نافرمانی را به سختی در این جهان و پس از مرگ مجازات می هد. او اطاعت و عبادت مسلمانان را پس از مرگ پاداش می دهد. او مزد جهادگران، آدمکشان با ایمان، را از دارایی دگراندیشان، که آنها را جهادگران کشته-اند، می پردازد.

* (در پایان این نوشتار اندک شماری از نشانه-های عدل الهی گردآوری شده است)

کسانی به بلاهای الله و آتش جهنم گرفتار خواهند شد که، در اجرای اوامر الله سستی کنند، الله را با خاکساری و زاری عبادت نکنند، ذکات ندهند، از دارایی و جان خود در راه الله خرج نکنند، جانوران را قربانی نکنند، با دگراندیشان جهاد نکنند، کافران را در راه الله گردن نزنند، اموال سرکوب شدگان را نذرند و برای سربلندی-ی اسلام خرج نکنند.

سخت ترین عذاب بر کسانی فرود خواهد آمد که آنها در پیرامون اوامر الله اندیشه کنند.

الله از بندگانش عبادت، ذکات، صدقه، ایثار و قربانی را نقدی، در همین جهان، دریافت می کند. ولی پیروان را پس از مرگ، با شیر و عسل و حوریهای پلاستیکی پاداش می دهد. با وجودی که الله پیوسته از مسلمانان گدایی می کند او خود را بی نیاز می پندارد. از این روی مسلمانان از گدایی ننگ ندارند، برای برخی از آنها، گدایی پیشه-ای است که در جلوی مسجدها یا امامزاده-ها برگزار می کنند.

بیشتر ویژگی-های الله در حکومت اسلامی بازتاب شده-اند. شیوه-های جانستایی، مانند سنگسار و آویختن به دار و سوزاندن جان انسان، که آنها را حکومت اسلامی با شور و شادی انجام می دهد، نشان از خشونت دارند که آنها را الله برای دگراندیشان فراهم کرده است.

مجازات که الله، برای دگراندیشان و مسلمانان سست ایمان، شمرده است، به گفته-ی قرآن، در تصور هیچ انسانی نمی گنجد، (جانوران که در اندیشه-ی آزادان به دیگران نیستند). عدالت الله در آتشی تعریف و تفسیر می شود، که آتشگیره-های آن، آدمها و مس گداخته هستند.

حکومت اسلامی هم، درست مانند الله، رحمان و رحیم است. ولایت فقیه بارها به پاسداران و بسیجی-ها و مسلمانان

با ایمان امر کرده است که آنها دانشجویان و جوانان گستاخ را تنها با چوبدستی و قمه بکوبند و هیچگاه نباید کسی را پیش از بازجویی بکشند. زیرا بازپرسان حکومت اسلامی، که در مکتب رسول الله روش-های بازجویی را آموخته-اند، می دانند: چگونه باید دگراندیشان را، در عذاب-های اسلامی، زمانی بسیار دراز، زنده نگه دارند. الله رحمان و رحیم است، زیرا او نمی گذارد نامسلمانان و مسلمانان خوشبندار در آتش جهنم بمیرند، بلکه پیوسته بر آنها پوست تازه-ای می پوشاند، که بیشتر و سخت تر عذاب بکشند، تا به عظمت و رحمت الهی پی ببرند. حکومت اسلامی درست، با روش الله، همه-ی دارایی مردمان را صاحب شده است. او از مردم، از راه زور و ایجاد ترس، باج می گیرد. ولی مردم را به سوی مردگان هزارساله می فرستند تا آرزوهای خود را از سنگ درخواست کنند.

از آنجا که همه-ی مسلمانان نادان پنداشته می شوند (تا اندازه-ای هم خرد آنها در زهر ایمان خشکیده است)، آنها می پذیرند که تنها عمامه داران می دانند: که چه چیزی برای آنها سود بخش یا زیان بخش است. از این روی مردگان هزار ساله هم، که از همه-ی علمای اسلام بهتر و بیشتر می دانند، تنها آرزویی را برآورده می کنند که برای درخواست کننده سودبخش باشد.

حکومت اسلامی، که بر هستی-ی مردم ایران دست انداخته است، مانند الله، از آنها می خواهد که همه روزه، برای کاری که دارند و خوراکی که می خورند، او را ستایش کنند. زیرا هر گاه که گماشتگان حکومت اراده کنند، سرکشان از کار بیکار می شوند، چشمه-ی درآمد آنها می خشکد، اگر آنها از ناچاری عاقل نشوند یا خودکشی نکنند، به نمونه خشونت-های کهریزیکی دچار خواهند شد.

این دزدان بی شرم و ستمکار، که حاکمیت الله را بر پا داشته-اند، بی اندازه شکرگزار "الله"، مالک جهنم، هستند. زیرا الله کلید جهنم و شمشیر خود را به دست آنان سپرده است، تا آنها دارایی مردمان را چپاول کنند و آنان را به ارباب-ی ویرانگر اسلام ببندند تا، با زهر شریعت، خرد مردمان را بخشکانند.

این مفتخوران انسان ستیز، امیرالمومنین، خلیفه-ی الله شده-اند، از این روی بر حاکمیت الله پافشاری دارند. زیرا الله، در شریعت اسلام، مسلمانان را عاقل (بند-ی گوش به فرمان) می پروراند. بندگان او، برای سخنانی بیهوده و وعده-های پوچ، از شادمانی-های زندگانی چشم می پوشند و در بندگی جان می سپارند.

آیا مردمی، به این اندازه از خودبیگانه، در جهان یافت می شود که همه-ی دانش و کوشش خود را، همه-ی اندوخته و ارزش‌های نیاکان خود را، افزون بر این، آینده-ی فرزندان خود را به جهادگران دزد بسپارد و برای ریزه خواری در برابر آنها به خاک بیافتد و فرومایه-ترین دشمنان میهن خود را ستایش کند؟

به هر روی این حکومت در برابر الله سرافراز است. زیرا او، با دست-های رحیم خود، عدالت الله را بر بندگان گنهکار و سرکش او گسترده است. الله قربانی می خواهد و حکومت اسلامی هزاران انسان را برای او گردن می زند و گستاخان را سنگسار می کند. بی گمان الله از اجرای عدالت و شریعت خودش، که به دست این همه پاسدار و بسجی و کاسه لیسان با ایمان اجرا می شود، خشنود خواهد بود.

این حکومت، از خون مردم ایران ریشه-ی پوسیده-ی اسلام را آبیاری می کند، دانش و کوشش این مردمان را در راه نابود ساختن سرزمین و فرهنگ ایرانیان به کار می بندد. اسلامزدگانی، که در این حکومت به بردگی-ی الله در آمده-اند، از راه ایمان به الله، ناخودآگاه ایران ستیز هستند، آنها از فرزندان خود برای الله برده پرورش می دهند.

پرسش 3: چرا زنان مسلمان، که در شریعت اسلام خوار شمرده می شوند و مردان به سروری-ی آنها گماشته شده-اند، بیشتر از مردان مسلمان در خواری و بردگی-ی خود پافشاری دارند و در بافتن زنجیرهای بردگی برای دختران خود کوشا هستند؟

پاسخ در همان خوار شمردن انسان است: الله با زنان سخن نمی گوید، بلکه به مردان امر می کند که آنها چگونه با زنان خود رفتار یا چگونه زنان را مجازات کنند. مردان از زنان مانند کشتزاری، که به آنها واگذار شده است، بهره برداری می کنند. عربها که خالق الله هستند، به زنان، پس از مرگ هم، مژده-ی بهشت یا وعده-ی مردان گردن کلفت نمی دهند.

زیرا شریعتمدار، که تیغ مردان پسمانده را برای کشتار زنان و دختران خود تیز می کنند، از فرومایگی نمی توانند

بپذیرند: که حتا پس از مرگ، مردانی تنومند همزمان و همدوش از زنان یا دختران آنها کام بگیرند. از این روی تصور کامیابی، در روسپی خانه-ی الله، تنها برای مردان نگاشته شده است.

از همین پندار است، که محمد رسول الله، برای زنانی که کوچکترین سرپچی، حتا از شوهرشان، داشته باشند مجازات سختی را حکم می کند. زنان در اجتماع مردسالاری، به ویژه در شریعت اسلام، بیشتر از مردان از خودآگاهی و آزمون های اجتماعی به دورند، با آنها به خواری و پستی رفتار می شود. از این روی زنان هر گفتاری را، که آخوندی بگوید، ساده تر از مردان می پذیرند.

از آنجا که مسلمانان نمی توانند، اوامر الله را، به درستی، انجام دهند؛ این است که همه-ی مسلمانان گناهکارند. آنها می کوشند با عبادت، خفت، خاکساری و ناله و زاری از میزان عذابی، که الله برای آنها شمرده است، بکاهند. دشمنی با کافران، جهاد در راه الله، کشتار و غارت دگراندیشان، تجاوز به زنان و دختران مردمی که سرکوب جهادگران شده-اند، از نمونه عبادت-های، بسیار پر ارج، هستند که از سوزش آتش جهنم، برای مسلمانان با ایمان، می کاهند.

از این روی، هر مسلمانی، که خود را بیشتر گناهکار ببندارد، او به خشنود ساختن الله بیشتر نیاز دارد. کسانی که در عبادت الله کوتاهی کرده-اند، کسانی که ذکات را نپرداخته-اند، کسانی که عباد الله را برای سود خود کشته-اند، کسانی که به دروغ از الله و رسول او سخن رانده-اند گناهکارند و از همه گناهکار تر زنان هستند. زیرا زنان، از سویی از سرشت انسان آفریده شده-اند و ویژگی-های یک زن را در خود دارند، از سوی در شریعت اسلام، زنان برای کامجویی و بندگی-ی مردان خلق شده-اند. در شریعت اسلام، زنان از هنگام زادن بخشی از دارایی مردان شمرده می شوند، پس از آن که یک زن به مردی واگذار شد، او باید صاحب تازه-ی خود را همدوش الله ستایش کنند.

میان آزادگی-ی زنان با مومنات در اسلام، تضاد سنگینی است که در شریعت زنان به بردگی-ی عباد الله درآمده-اند. در شریعت اسلام زنان مسلمان بیشتر از مردان نیاز به آزادی دارند. زیرا آنها در خانه-ی خویش هم زندانی هستند و زندانبان آنان هم مردان همخانه-ی آنها هستند. از این روی زنان بیشتر از مردان به عبادت و زاری می پردازند، تا از زن بودن خود پوزش بخواهند. آنها برای عبادت بیشتر از مردان به مسجد و امامزاده می رورند، تا تنگنای خانه را فراموش کنند.

زنان با دگراندیشان سخت تر دشمنی می ورزند. آنان به خرد خود بیشتر از دستورهای ابلهانه-ی یک آخوند بدگمان هستند. زیرا آنها به سخنان علی، که آنها را ناقص العقل خوانده است، ایمان دارند و خویشتن را کمتر و گناهکارتر از مردان می پندارند.

زیبایی، تراوت، دلربایی، شادابی و شادی در ساختار زن آمیخته شده-اند. دگرسو با شکوه زنانگی، در اسلام زنان گناهکار زاییده می شوند، در شریعت اسلام آشکار شدن هر یک از این ویژگی-های زیبای زن، که الله در نابود ساختن آنها ناتوان بوده است، گناه شمرده می شود.

افزون بر گناه دلربایی، زنی، که به تصرف مردی مسلمان در آمده باشد، در نهانخانه-ی درونش، از سرشت زنانگی، مردانی را به زیبایی انسان می آفریند و این راز را بر هیچ کس بازگو نمی کند. از این روی، او پیوسته در میان سرشت زنانگی و احکام پسمانده-ی ایمانش در فشار به سر می برد، او پیوسته با خویشتن با زن بودن خود با گناهان پندار خود در جنگ است تا از مجازات الله رهایی یابد.

رهایی-ی زنان، از بندهای تو در تو، بدون گسستن از "ایمان" و روشن ساختن خرد خویشتن امکان پذیر نخواهد بود.

حکومت اسلامی، با گستردن ترس و نشان دادن خشونت، بر مردم حاکم شده است. ترس و خشونت پایه-های استوار شریعت اسلام هستند و ولایت فقیه مشروعیت خود را از الله گرفته است. کسانی که مسلمان هستند، به نادان بودن خود و نیک بودن احکام شریعت ایمان دارند، آنها سیمای الله را، که در خشم حکومت آشکار می شود، می بینند. آنها، که دلباخته و بنده-ی الله هستند، دلباخته-ی فرود آوردن خشم الله بر کفار هم هستند.

در قرآن، سدها بار، کافران یا دگراندیشان را از عذابهای عظیم می ترساند، بارها امر می کند که مسلمانان باید از خشم الله بترسند، الله خود را جبار و غاصب و سختگیر می نامد. بیشترین مسلمانان از ترس ناشناخته-ای، که رسول الله گسترده است، به پای والیان اسلام یا به گور امامان مرده پناه می برند و به آنها باج می دهند که شاید از این راه

از عذاب آنها در جهنم کاسته شود.

(* هر آزاده‌ای می‌تواند ویژگی‌های عدالت الله را در اندک شماری از آیات ترس آور او شناسایی کند:

سوره 2، البقره،

آیه 7 : الله بر دلها و بر گوش کافران مهر نهاده، و بر چشمهایشان پرده‌ای کشیده است و آنان را به عذابی بزرگ می‌آزارد.

آیه 59 : آنگاه که ستم ورزیدند، سخن را به چیزی جز آنچه به آنان گفته شده بود، تبدیل کردند؛ پس بر سر ستمکاران به کیفر نافرمانیشان عذابی از آسمان فرو فرستادیم.

آیه 284 : آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن الله است؛ و آنچه را که در دل دارید آشکار کنید یا پنهان دارید، الله از شما حساب پس خواهد گرفت، آنگاه هر کس را که بخواهد می‌آمزد و هر کس را که بخواهد عذاب می‌کند؛ و الله بر هر کاری تواناست.

سوره 3، آل عمران،

آیه 4 : پیش از این فرستاده شده است، کسانی که به آیات قرآن کافر شدند، آنها کیفر شدیدی دارند و الله توانا و صاحب انتقام است.

آیه 56: اما کافران را سخت عذاب کنیم در دنیا و در آخرت و برای آنها هیچ یآوری نیست.

آیه 91 : کسانی که کافر شدند و در حال کفر از دنیا رفتند، اگر چه زمینی را پر از طلا کفاره بپردازند، هرگز از آنها قبول نخواهد شد؛ و برای آنان، مجازات دردناک است؛ و هیچ یآوری نخواهند داشت.

سوره 4، النساء،

آیه 14 : و آن کس که از او امر الله و رسولش سرپیچی کند و از احکام او بگذرد، او را در آتشی جاودانه وارد می‌کند؛ و برای او مجازات خوارکننده‌ای است.

آیه 84 : پس بکش در راه الله ، و مومنان را بر این تشویق کن، تو پاسخگوی نیستی! باشد که الله از قدرت کافران جلوگیری کند، الله قدرتش بیشتر و مجازاتش دردناکتر است.

سوره 5، المانده،

آیه 115 : الله گفت: اگر بر آنچه که بر شما فرود آورده ام کافر شوید، شما را آن چنان عذاب دهم که احدی از جهانیان را چنان عذاب نکرده باشم.

سوره 6 الانعام،

آیه 43 : چرا هنگامی که ما آنها را عذاب دادیم زاری نکردند؟! بلکه دلهای آنها سخت شد و هر کاری که می‌کردند، شیطان آنها را زیبا جلوه می‌داد.

آیه 125 : آن کس را که الله بخواهد سینه‌اش را برای اسلام، گشاده می‌سازد؛ و آن کس را که گمراه بخواهد، سینه‌اش را آنچنان تنگ می‌کند که گویا او به آسمان پر می‌کشد، به این گونه الله پلید می‌سازد، کسانی که ایمان نمی‌آورند.

سوره 7 الاعراف،

آیه 4 : چه بسیار شهرها را ویران کردیم، عذاب ما، شب‌هنگام، یا درهنگام خواب نیمروز، بر آنها وارد آمد.

آیه 97 : آیا اهل آبادیها، هنگام خواب ایمنی خواهند داشت، زمانی که عذاب ما شبانه به سراغ آنها بیاید.
سوره 8 الانفال،

سوره 9 التوبه،

آیه 14 : بکشید آنان را تا الله آنها را به دست شما عذاب دهد و رسوا سازد، و بر قلب شما مرهم نهد شما را شفا بخشد.

سوره 22 الحج،

آیه 22 : هر آن گاه که آنها بخواهند از عذاب دوزخ خارج شوند، باز پس رانده می‌شوند؛ پس بچشید عذاب آتش را.
آیه 57 : و کسانی که کفر کردند و آیات ما را دروغ شمردند، برای آنها عذاب خوارکننده-ای فراهم است.

سوره 23 المومنون،

آیه 76 : آنها را به عذابی سخت گرفتار ساختیم، ولی آنها نه الله را ستودند و نه به زاری پرداختند.

سوره 35 فاطر،

آیه 36 : کسانی که کافر شدند، آتش دوزخ برای آنهاست؛ نه به مردن آنها امر میدهیم و نه چیزی از عذابش از آنان کاسته می‌شود، ما این گونه هر کافران را جزا می‌دهیم.

سوره 65 الطلاق،

آیه 8 : چه بسیار(مردم) آبادیها که از فرمان الله و رسولانش سرپیچی کردند و ما بشدت از آنها حساب پس گرفتیم و به مجازات کم نظیری گرفتار ساختیم.

سوره ۵ النساء، آیه 089 :

با نامسلمانان دوستی نکنید تا ایمان بیاورند و اگر باز از ایمان برگشتند، آنها را بگیرید و بکشید، که آنها دوست و یار شما نیستند.

نیازی نیست که بیش از این نشانه-های عدالت الله را بشمارم و باز گویم، زیرا حکومتی، که بر این مردم ایران حاکم شده است، از پسماندگی-ی عقیده-ی آنها نیرو می‌گیرد. تا زمانی که مردم نیکویی و بدخویی را، با احکام شریعت می‌سنجند، آنها از آزردن جان انسان شرم نمی‌کنند و با آزادی دشمنی می‌ورزند.
حکومت هر مردمی نشان دهنده-ی معیارهای بینش همان مردم است.

مردو آناهید

MarduAnahid@yahoo.de

دریافت بازتاب از دیدگاه خوانندگان:

درفش کاویانی



<http://derafsh-kavivani.com/parsi/>